

سعید لیلان پاسخ می‌دهد که سردار سلیمانی برای ایران چه کرد

## سلیمانی، «آرش» ایرانی در دنیای واقعی

### گفت‌وگو

مرتضی گل پور

قاسم سلیمانی که بود، برای ایران چه کرد و چرا ترور شد؟ جناح‌بندی‌های سیاسی و فضا سازی‌های اپوزیسیون همچون غباری است که مانع شناخت کامل این سرباز ملی و شهید راه میهن می‌شود. با وجود این، حضور میلیونی ایرانیان در مراسم تشییع پیکر او و وداع باشکوه با این سرباز وطن نشان داد که برای ایرانیان و حتی سردار سلیمانی، قطب‌بندی‌های سیاسی، فرع کشور خواهی و وطن دوستی بوده و هست. این دیدگاهی است که سعید لیلان، استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی هم بر آن صحنه می‌گذارد. به باور لیلان، فراتر از جناح بندی‌های داخلی بودن، ملی رفتار کردن و اسلامی اندیشیدن، توانایی‌های حرفه‌ای و نظامی، سردار سلیمانی را در زمره سرداران بزرگ تاریخ قرار می‌دهد که حالا حالا بدیلی نخواهد داشت. او فقدان این شخصیت را برای آینده ایران خطرناک می‌داند و معتقد است که اتفاقا امریکایی‌ها با شهادت سردار سلیمانی، آینده ایران را هدف گرفتند. این گفت‌وگو را بخوانید.

■ یک سال از ترور و شهادت سردار سلیمانی گذشت. برای شما به عنوان یک کنشگر سیاسی در ایران، او چگونه شخصیتی بود؟

من می‌توانم بدرستی به شما منتقل کنم که چقدر از شهادت ایشان هم متأثر و هم خشمگین شدم. احساس ویژه‌ای است که با گذشت یک سال از شهادت ایشان هنوز برطرف نشده و با وجود گذشت یک سال از این ماجرا هنوز حفره این فقدان در قلب من هست. من از شهادت آقای سلیمانی بسیار بسیار متأثر شدم، نه فقط از باب خدماتی که به ایران کرده بود، بلکه او برای ایران یک شخصیت قهرمان، بزرگ و بی‌بدیل بود. پس از شهادت او در مقاله‌ای نوشتم که شهید سلیمانی برای ایران درست مانند آرش کمانگیر بود، مانند آرش کمانگیر خدمت کرد و مانند آرش جانش را بر سر آرمان‌های خود، بویژه ایران گذاشت.

■ چرا شهید سلیمانی را با آرش مقایسه می‌کنید؟

آنچه که آقای سلیمانی را برای من شبیه آرش می‌کرد، این واقعیت بود که آرش نیز در افسانه‌ها و اسطوره‌ها مرزهای ایران را به رود جیحون رساند، اما سلیمانی این بار نه در اسطوره و افسانه، بلکه در واقعیت مرزهای معنوی ایران را به دریای مدیترانه رساند. افسوس می‌خورم که ما از نظر رفتارهای داخلی و جناح بندی‌های داخلی در شرایطی هستیم و جناح‌ها و برخی مسئولان در حاکمیت گاهی



رفتارهایی انجام می‌دهند که باعث می‌شود مردم ما بر اثر عصبانیت‌های زودگذر و موضعی، این خدمات را نبینند یا به اهمیت آن پی نبرند. اما چنانکه امروز به خدمات سرتیپ دریادار بایندر، فرمانده ناوگان دریایی ایران در خلیج فارس هنگام هجوم متفقین به ایران افتخار می‌کنیم، معتقدم سلیمانی نیز خیلی خیلی زودتر جایگاه خود را پیدا خواهد کرد و همگان به عظمت کار او پی خواهند برد که چگونه مرزهای ایران را از شرق به افغانستان و از غرب به سوریه

افزایش داد و این کار به لحاظ نظامی و ژئوپلیتیک کار شهید سلیمانی بود و نه کسی دیگری. او فرمانده بزرگ این کار بود و در آخر هم مانند آرش جان خود را بر سر این کار گذاشت، اما این بار به جای اینکه در اسطوره و افسانه این اتفاق بیفتد، او در واقعیت این کار را انجام داد اما این تنها جنبه عظمت این مرد نبود. او در تمام عمرش تا جایی که برای او ممکن بود و این کار هم تقریباً مأموریت ناممکنی بود که او به خوبی از عهده آن برآمد، این بود که خود را

از دعوها و جناح بندی‌های داخلی برکنار نگه داشت و یک سرباز واقعی میهن بود. از این جنبه سلیمانی یک سرباز حرفه‌ای واقعی بود و خودش را آغشته به جناح بندی‌های داخلی نکرد. معنای این امر این نیست که او به انقلاب اسلامی عشق نمی‌ورزید، چراکه اساساً او بر خاسته و بر کشیده انقلاب اسلامی بود، اما انقلاب اسلامی را مانند بسیاری دیگر به دعوهای داخلی جناحی فرونگاهید. به همین خاطر

با وجود آن همه کفایت و با آن همه شجاعت و خردمندی که به حد کمال داشت، خود را درگیر جناح بندی‌ها نمی‌کرد یا اینکه خود را به چرب و شیرین روزگار آغشته نمی‌کرد و تا آخر عمر از خوشامد این جناح و آن جناح پرهیز کرد. این امر روح بزرگ او را نشان می‌دهد و نشان می‌دهد چقدر او به مسائل ایران نگاه ژئوپلیتیک داشت

است که امروز یاد و خاطره شهید سلیمانی در سینه هر پسر و دختر جوانی هست. این ویژگی بسیار مهم او بود. یعنی با وجود آن همه کفایت و با آن همه شجاعت و خردمندی که به حد کمال داشت، خود را درگیر جناح بندی‌ها نمی‌کرد یا اینکه خود را به چرب و شیرین روزگار آغشته نمی‌کرد و تا آخر عمر از خوشامد این جناح و آن جناح پرهیز کرد. این امر روح بزرگ او را نشان می‌دهد و نشان می‌دهد چقدر او به مسائل ایران نگاه ژئوپلیتیک داشت. این امر نیز به نوبه خود ویژگی سوم او را نشان می‌دهد و آن اینکه این مرد چقدر می‌توانست برای آینده ایران مفید باشد. یعنی با توجه به خاستگاه و پایگاه ملی که داشت، می‌توانست چه جایگاه بزرگ و مهمی داشته باشد. پس از شهادت او، در مصاحبه با یک روزنامه اروپایی گفتم که ایالات متحده امریکا فقط سردار سلیمانی را شهید نکرد، بلکه آینده ایران و همچنین میانه روی در ایران را هدف قرار داد، بویژه این روزها ما خلأ کسی مانند سلیمانی و آقای هاشمی رفسنجانی را خیلی بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌کنیم.

■ یکی دیگر از ویژگی‌های سردار سلیمانی این بود که اگر در منطقه‌ای حضور داشت، خواه بخشی از ایران باشد، یا عراق و سوریه، جامعه شناسی، تاریخ، اقتصاد و سیاست و محیط آنجا را به خوبی می‌شناخت.

به این دلیل که او یک سرباز صرف نبود، بلکه یک رهبر ژئوپلیتیک بود. یک استراتژیست بود. ما نمونه شهید سلیمانی را خیلی کم داریم. سلیمانی را در زمره رهبران بسیار محدود نظامی تاریخ قرار می‌دهد. معتقدم این جنبه بسیار سخت است که ما بتوانیم کس دیگری را مانند شهید سلیمانی پیدا کنیم. شاید خیلی‌ها دوست داشته باشند که مانند شهید سلیمانی شوند، اما هرگز نخواهند توانست، زیرا این امر نیازمند یک خویشتنداری در زمینه عدم دخالت در مسائل و جناح بندی‌های داخلی است که کاری بسیار سخت و طاقت فرسا است که آدم بتواند خود را از این مسائل کنار نگه دارد و به این یا آن جناح پاسخ ندهد، بلکه یک سرباز حرفه‌ای باشد که روی آرمان‌های خود باقی بماند.

■ همین که اشاره کردید، شهید سلیمانی روابط خوبی با همه افراد از همه جناح‌ها داشت و این طور نبود که خود را به یک جناح محدود کند. مثلاً آقای جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری گفت که ما هر هفته، روز مشخصی با ایشان جلسه داشتیم، یا هر هفته جلسه منظمی هم با آقای ظریف، وزیر امور خارجه داشتند. حتی رابطه ایشان با آیت الله هاشمی هم در همه این سال‌ها ادامه داشت و این روابط در حالی بود که کشور درگیر بگومگوها، خط کشی‌ها و جنجال‌های سیاسی بسیاری است، اما شهید سلیمانی فرای این جناح بندی‌ها رفتار می‌کرد.

من از این جلسه با آقای جهانگیری مطلع هستم. جالب است که بدانید رفتار، شخصیت و سلوک این مرد به گونه‌ای بود که این رفتار، یعنی مراد به چهره‌هایی که نام بردید، سوء ظنی را بر نمی‌انگیخت. به عبارت دیگر، طوری رفتار می‌کرد که هیچ کس در ساخت قدرت متعرض او نمی‌شد یا این ملاقات‌ها و رابطه‌ها کسی را نگران نمی‌کرد، چه بسا شاید رفتار دیگران این نگرانی را ایجاد کند. او عمر خود را به گونه‌ای گذراند که کسی شبهه‌ای از این بابت که او از این رابطه‌ها صرفاً به نفع خودش بهره‌برداری کند یا نگرانی دیگران را برانگیزد، به خود راه نداد. من بسیار بعید می‌دانم که حالا حالاها مانند او را داشته باشیم.

■ نحوه شهادت ایشان هم خیلی تلخ و مظلومانه بود.

نحوه شهادت ایشان برای من بسیار بسیار برخوردنده بود. رسماً اعلام می‌کنم که بشدت طرفدار یک